

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: تی پری میسان - par Thierry Meyssan

برگردان از: حمید محوی

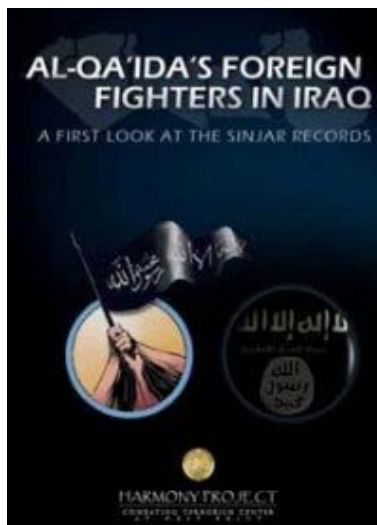
۲۱ سپتمبر ۲۰۱۴

کدام عناصر ترکیبی در «امارات اسلامی»؟

Qui compose l'« Émirat islamique »?

در حالی که افکار عمومی را از گزارشات مرتبط به جبهه متحد بین المللی برای مبارزه علیه «امارات اسلامی» اشباع کرده اند، «امارات اسلامی» زیرکانه تغییر شکل می دهد. افسران اصلی آن دیگر از ملیت های عرب نبوده، بلکه یا گرجستانی هستند و یا چینی. از دیدگاه تی پری میسان، چنین تحولی در ترکیب نیروهای «امارات اسلامی» به روشنی نشان می دهد که ناتو می خواهد از آن در روسیه و چین استفاده کند. بر این اساس، این دو کشور برای اجتناب از سرایت هرج و مرج به سرزمین هایشان باید از هم اکنون علیه جهاد طلبان اقدام کنند.

شبکه ولتر|بیروت (لبنان)



«امارات اسلامی» ابتداء به عنوان سازمانی با ملیت عرب به میدان آمد. این سازمان ابتداء از بطن شبکه القاعده در عراق بیرون آمد که نه علیه اشغالگران عراق (ایالات متحده) بلکه علیه شیعیان عراق می جنگید و به تدریج تبدیل شد به «امارات اسلامی در عراق» و سپس به نام «امارات اسلامی در عراق و شامات» شهرت یافت. در اکتوبر ۲۰۰۷، ارتش نیروی زمینی ایالات متحده در شهر سنجار (به زبان کردی «کرمانجی» در استان نینوا) نزدیک ۶۰۶ پرونده از

اعضای خارجی این سازمان را کشف و ضبط کرد. این پرونده ها توسط کارشناسان آکادمی نظامی وست پوینت West Point مورد بررسی قرار گرفت.

با این وجود چند روز پس از کشف و ضبط مدارک، امیر آل بغدادی اطلاعاتی ای منتشر کرد و مدعی شد که سازمان او تنها ۲۰۰ نفر عضو دارد و همه آنها نیز عراقی هستند. این دروغ مشابه دروغ های سازمان های تروریستی دیگری است که در سوریه می جنگند و غالباً اعلام می کنند که به شکل احتمالی و جزئی تعدادی خارجی در صفوفشان فعالیت می کنند. با این وجود، بر اساس گزارشات ارتش عرب سوریه طی سه سال گذشته دست کم ۲۵۰۰۰۰۰ جهاد طلب خارجی برای جهاد به سوریه آمده اند. علاوه بر این، خلیفه ابراهیم (نام جدید امیر آل بغدادی) مدعی شده است که سازمان او به شکل گسترده از خارجی ها تشکیل شده و سرزمین سوریه دیگر به سوری ها تعلق ندارد و به همین گونه سرزمین عراق نیز دیگر به عراقی ها تعلق ندارد، بلکه از این پس این دو کشور به جهاد طلبان سازمان او تعلق دارد. بر اساس پرونده های کشف شده در سنجار، ۴۱٪ تروریست های خارجی از اعضای «امارات اسلامی در عراق» ملیت عربستان سعودی داشته اند، ۱۸،۸٪ لیبیائی و تنها ۸،۲٪ از آنها سوری بوده اند. اگر این ارقام را به نسبت جمعیت کشورهای مربوطه حساب کنیم، جمعیت لیبیائی نسبتاً دو برابر بیشتر از جمعیت عربستان و ۵ برابر سوریه جنگجو صادر کرده است.

در مورد جهاد طلبان سوری، منشای آنها به شکل پراکنده در کشور مشخص شده، ولی ۳۴،۳٪ از شهر دیرالزور بوده اند که از تاریخ عقب نشینی «امارات اسلامی» از رقه، به پایتخت خلیفه تبدیل شده است. در سوریه، دیرالزور اکثراً از اعراب سنی مذهب و از قبایل مختلف تشکیل شده، در این منطقه اقلیت های کرد و ارمنی نیز زندگی می کنند. در نتیجه تا کنون ایالات متحده موفق به تخریب کشورهایی شده است که اهالی آن به شکل قبیله ای و ابدی زندگی می کنند، مثل افغانستان، عراق و لیبیا، ولی در جاهای دیگر با شکست روبه رو شده است. از این دیدگاه، دیرالزور به ویژه و به طور کلی شمال سوریه برای اشغال مناسب بوده است، ولی نه در مناطق دیگر سوریه. این واقعیت را از سه سال پیش تا کنون مشاهده کرده ایم.



تارخان باتیراشویلی، گروهبان اطلاعات نظامی گرجستانی با نام ابو عمر ال شیشانی به یکی از فرماندهان اصلی «امارات اسلامی» تبدیل شده است.

از دو هفته پیش، تصفیه افسران مغربی شروع شد. بر این اساس، تونسوی هائی که فرودگاه نظامی رقه را تسخیر کرده بودند، روز ۲۵ اگست به جرم نافرمانی بازداشت شده و پس از محاکمه توسط مافوق هایشان اعدام شدند. «امارات

اسلامی» می خواهد مبارزان عرب را به نفع ارتقاء افسران چین کنار بگذارد. البته سرویس های مخفی گرجستانی ارسال آنها را با کمال میل به عهده داشتند.



ابو انیساح ال خازاخی Abou Anisah al-Khazakhi، نخستین جهاد طلب چینی در «امارات اسلامی» (در مرکز عکس) که در یکی از نبردها کشته شد. در نتیجه نخستین جهاد طلب چینی کشته شده اویغور Ouïghour نبوده بلکه خازاخی بوده است.

یکی دیگر از دستجات جهاد طلب که به میدان آمده چینی ها هستند. از ماه جون ایالات متحده و ترکیه صدها مبارز چینی و خانواده هایشان را به شمال شرقی سوریه منتقل کرده اند. برخی از آنها فوراً به مقام افسری ارتقاء داده شده اند. این چینی ها غالباً اویغوری بوده و به خلق چین تعلق دارند، ولی مسلمان سنی و ترک زبان هستند. از این پس کاملاً روشن است که دامنه فعالیت های «امارات اسلامی» به روسیه و چین کشیده خواهد شد و این دو کشور اهداف نهائی خلافت اسلامی را تشکیل می دهد.

مطمئناً در آینده شاهد عملیات اطلاعاتی جدیدی از سوی ناتو خواهیم بود، طرح ناتو به این شکل خواهد بود که ابتداء با عملیات هوائی جهاد طلبان را از عراق خواهد راند و سپس به آنها اجازه خواهد داد که در دیرالزور مستقر شوند. سپس همین «امارات اسلامی» دوباره تبدیل خواهد شد به «انقلابی های سوری میانه رو» و سازمان سیا CIA برای آنها پول، سلاح، مهمات و اطلاعات تدارک خواهد دید، ارتش آزاد سوریه کلاه هایشان را عوض خواهند کرد و زیر پرچم «امارات اسلامی» دوباره فعال خواهند شد، یعنی روندی که از ماه مه ۲۰۱۳ دائماً ادامه داشته و تکرار شده است.



جان مک کین و ستاد فرماندهی ارتش آزاد سوریه. در جلوی صحنه سمت چپ، ابراهیم البدی نشسته و سناتور با او در حال حرف زدن است. فرد بعدی، با عینک، بریگادیه جنرال سلیم ادیس است.

در آن دوران، سناتور جان مک کین به شکل غیر قانونی برای دیدار با ستاد فرماندهی ارتش آزاد سوریه وارد سوریه شده بود. چنان که در عکسی که برای تأیید دیدار منتشر شده، ستاد فرماندهی فردی به نام **ابو یوسف** است که از سوی وزارت امور خارجه ایالات متحده، این بار با نام **ابو دعا** رسماً تحت پیگرد است، در واقع نام کنونی او **خلیفه ابراهیم** است. با این وصف، همین فرد هم زمان رئیس میانه رو در بطن ارتش آزاد سوریه، و رئیس افراط گرا در بطن «امارات اسلامی» بوده است.

با چنین اطلاعاتی، پرونده ای که روز ۱۴ جولای توسط سفیر سوریه **بشار ال جعفری** به شورای امنیت تحویل داده شد را بهتر درک می کنیم. پرونده عبارت است از یک نامه از سوی فرمانده ارتش آزاد سوریه، **سلیم ادیس**، مؤرخه ۱۷ جنوری ۲۰۱۴. در این نامه چنین نوشته شده است که: «در این نوشته به اطلاع شما می رسانم که مهمات ارسال شده توسط مرکز فرماندهی به رهبران شورای نظامی انقلابی های منطقه شرق باید بر اساس آنچه پیش از این تعیین شده تقسیم شود، دو سوم برای فرماندهان نظامی جبهه النصره، یک سوم باقیمانده باید بین نظامیان و عناصر انقلابی تقسیم شود که علیه باند امارات اسلامی در عراق و شامات مبارزه می کنند. از شما خواهش می کنیم که گواهی ارسالی تمام مهمات را با مشخص نمودن تعداد و کیفیت آنها و به امضای رؤسای نظامی برای ما بفرستید تا ما بتوانیم آن را برای همکاران ترک و فرانسوی بفرستیم».

به عبارت دیگر، دو قدرت ناتو (ترکیه و فرانسه) مهمات را با حساب دو سوم برای جبهه النصره (که به عنوان عضو القاعده توسط شورای امنیت به ثبت رسیده) و یک سوم برای ارتش آزاد سوریه تا بتواند علیه «امارات اسلامی» مبارزه کند که رئیس آن یکی از افسران عالی رتبه ارتش آزاد سوریه است. و در واقع، ارتش آزاد سوریه در محل از بین رفته است و دو سوم مهمات برای القاعده و یک سوم بقیه برای «امارات اسلامی» فرستاده شده است. با چنین ساز و کاری و با کلاه مضاعف، ناتو می تواند با گله های جهاد طلب علیه سوریه به حملاتش ادامه دهد و در عین حال مدعی شود که علیه جهاد طلبان مبارزه می کند.

با این وجود، وقتی ناتو هرج و مرج را در تمام جهان عرب راه اندازی کرد، حتی در کشور هم پیمان خودش یعنی عربستان سعودی، «امارات اسلامی» را علیه دو قدرت بزرگ که در حال تحول به سر می برند، یعنی روسیه و چین برخواد گرداند. به همین علت این دو قدرت باید از هم اکنون مداخله کنند و این ارتش خصوصی ناتو را که در سرزمین های عربی در حال تشکل است در نطفه خفه کنند. در غیر این صورت مسکو و پکن به زودی مجبور خواهند شد در زمین خودشان باید با آن برخورد کنند.

گاهنامه هنر و مبارزه

۲۰ سپتمبر ۲۰۱۴